بيانات مقام معظم رهبری در ديدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زينب (س) - 20 /مهر/ 1373

بسم الله الرّحمن الرّحيم
بنده هم مناسبت بسيار عزيز و فرخنده ولادت حضرت زينب كبري عليهاالسّلام را به همه زنان مسلمان در سراسر جهان و بخصوص به بانوان محترم و فداكار و زنان برجسته كشور جمهوري اسلامي ايران - مادران و همسرانِ فداكار - تبريک عرض مي كنم.
يک مطلب به مناسبت روز پرستار عرض مي كنم و آن اين است كه: اگر بخواهيم ارزش خدمات مختلفي را كه قشرهاي مردم به يكديگر تقديم مي كنند، اين گونه محاسبه كنيم كه هر خدمتي كه مستقيماً به انسان ارتباط پيدا مي كند، هر خدمتي كه نوعي غمگساري نسبت به انسانهاي ديگر است، هر خدمتي كه تقديم كننده آن خدمتْ رنج بيشتري مي برد و هر خدمتي كه از روي علم و معرفت و آگاهي و تحصيلات است، ارزشش بيشتر است، در اين صورت گمان مي كنم كه خدمت پرستاري، جزو ارزشمندترين حرفه ها و خدمتگزاريها خواهد بود. چون پرستار، هم مستقيماً با انسان سر و كار دارد، هم غمگسار انساني است كه به غمگساري و همدردي و كمک او نياز دارد و هم اين كه، بحمدالله، كاري از روي دانش و تحصيلات و علم است.
پرستار چون با بيمار سر و كار دارد، با بيداري و دردكشي سر و كار دارد و رنجش بيشتر از ديگران است ؛ بنابراين حرفه اش حرفه عزيز و باارزشي است. اينها حقايق است ؛ نه اين كه مردم بخواهند با پرستاران - چه مرد و چه زن - تعارف كنند. واقع مطلب چنين است. وقتي كاري خيلي بزرگ و خيلي عزيز باشد، دو طرف در مقابل آن مسؤولند: يكي مردمند ؛ كه بايد آن كار را عزيز به حساب بياورند و صاحب آن را معزّز بشمارند ؛ ديگري خودِ آن شخص است كه اين شي ء عزيز و اين كار بزرگ در اختيار اوست. خود او هم بايد آن را گرامي بدارد.
من به پرستاران عزيزمان - چه مردان پرستار و چه زنان پرستار - عرض مي كنم: شما كه اين توفيق را پيدا كرده ايد و اين كار بزرگ را برعهده گرفته ايد و اين خدمت باارزش را انجام مي دهيد، آن را گرامي هم بداريد. نگذاريد كه خداي ناخواسته، با يک قصور يا تقصير يا برخورد نامناسب، كاري به اين عظمت و ارزشمندي، مخدوش شود. اين خدمت را هر چه بيشتر و صحيح تر ارائه دهيد، نظام امور زندگي مردم بهتر خواهد شد و اجر و ثواب شما هم بالاتر خواهد بود. خداوند به شما اجر بدهد. و اين خدمت بزرگ را برايتان خدمتي با بركت و براي مردمِ ما يک خدمت مؤثر در پيشرفت امورشان قرار دهد.
خواهران من! موضوع زن و برخورد جوامع با او، مسأله اي است كه از ديرباز در ميان جوامع و تمدّنهاي مختلف مطرح بوده است. هميشه نصف مردم عالم، بانوان هستند. قوام زندگي در عالم، به همان اندازه كه به مردان وابسته است، به همان اندازه هم به زنان وابسته است. زنان، بزرگترين كارهاي آفرينش را به طور طبيعي برعهده دارند. كارهاي اساسي آفرينش، مانند توليدمثل و تربيت كودک، در دست زنان است. پس مسأله زنان، مسأله مهمي است و از ديرباز، در جوامع، در بين متفكرين و در اخلاق و عادات گوناگون ملتها وجود داشته است. اسلام يک موضع برجسته را در اين بين انتخاب كرده ؛ از افراط و تفريط جلوگيري نموده، و هشداري به همه مردم عالم داده است. اسلام، مرداني را كه به خاطر قدرتمند بودن جسمي يا توانايي مالي، زنان و مردان را به خدمت مي گرفتند و زن را مورد آزار و احياناً تحقير قرار مي دادند، به كلّي سرجاي خود نشاند و زن را در جايگاه حقيقي خودش قرار داد و حتّي از جهاتي، زن را در رديف مرد قرار داد: «ان المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات...» مرد مسلمان، زن مسلمان. مرد عابد، زن عابد. مرد متهجّد، زن متهجّد.
پس، در اسلام همه اين مقامات معنوي و درجات انساني، بين زن و مرد بالسّويه تقسيم شده است. در اين موارد، مرد و زن با يكديگر مساوي و برابرند. هر كس كه براي خدا كار كند، «من ذكرٍ او انثي» ؛ چه مرد باشد و چه زن، «فلنحيينّه حياتاً طيبة» .

اسلام در برخي جاها حتي زن را بر مرد ترجيح داده است. مثلاً آن جا كه مرد و زن، پدر و مادري هستند كه فرزندي دارند، اين فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاري فرزند در مقابل مادر، لازمتر است. حقّ مادر بر گردن فرزند، بيشتر و وظيفه فرزند نسبت به مادر سنگينتر است.
روايات فراواني در اين زمينه هست: پيغمبر اكرم در جواب كسي كه سؤال كرد: «من ابرّ؟» (به چه كسي نيكي كنم؟) فرمود: «امّك.» يعني «به مادرت.» دفعه دوم هم همين را فرمود ؛ دفعه سوم هم همين را فرمود. دفعه چهارم كه سؤال كرد، فرمود: «اباك.» يعني «به پدرت». پس، زن در مقياس خانواده و در رابطه با فرزندان، حقّ سنگينتري دارد. البته اين هم نه از باب اين است كه خداي متعال خواسته است جمعي را بر جمع ديگر ترجيح دهد. بلكه به اين جهت است كه زنان زحمت بيشتري تحمّل مي كنند.
اين هم عدل الهي است. زحمت بيشتر است ؛ پس حق هم بيشتر است. ناراحتي بيشتري تحمّل مي كند ؛ پس ارزشش بالاتر است. همه اينها از روي عدالت است. در مسائل مالي، مثل حقّ خانواده و حقّ سرپرستي خانواده در مقابل وظيفه اداره خانواده، روش اسلام روش متعادل است. قانون اسلامي، در اين چيزها هم نگذاشته است كه ذرّه اي به زن يا به مرد ظلم شود. حقّي براي مرد و حقّي هم براي زن قرار داده است. يک وزنه در كفّه مرد قرار داده و يک وزنه هم در كفّه زن قرار داده است. كساني كه اهل مداقّه در اين امور هستند، اگر دقّت كنند، اينها را مي بينند. در كتابها هم نوشته اند. امروز خانمهاي انديشمند و فاضل ما، بحمدالله اين مسائل را بهتر از ديگران و بهتر از مردان مي دانند و تبليغ و بيان مي كنند. اين هم درباره حقوق مرد و زن.
يک نكته اساسي هم وجود دارد كه در آن اسلام ايستادگي كرده است و آن اين است كه در طول زمان، چون اخلاق مردان خشن تر و اراده آنان در برخورد با مشكلات قويتر و جسمشان سنگينتر بوده است، لذا كارهاي مهم و مسؤوليتها و قدرتهاي گوناگون را در دست داشته اند و اين، به مردان امكاني براي سوء استفاده كردن از جنس مخالف - به نفع خودشان - داده است. شما نگاه كنيد ببينيد كه كدام يک از سلاطين، ثروتمندان و پولداران و زرمندان و زورمندان در دربارها و دستگاههايشان، با داشتن پول و مقام و قدرت، به نحوي از انحا، دست به سمت تعرّض و تخطّي و سوءاستفاده از زن دراز نكرده اند؟!
اسلام در اين جا، با كمال قدرت و قوّت ايستاده است و بين زن و مرد در جامعه، مرزي قرار داده است. از نظر اسلام، هيچ كس حق ندارد كه اين مرز را زير پا بگذارد و بشكند ؛ چون از نظر اسلام، خانواده خيلي مهم است. رابطه زن و مرد در محيط خانواده به گونه اي است، و در محيط جامعه، به گونه اي ديگر است. اگر آن ضوابطي كه اسلام در محيط جامعه به عنوان حايل بين زن و مرد قرار داده است، بشكند، خانواده خراب مي شود. در خانواده، غالباً به زن و گاهي هم به مرد، ممكن است ظلم شود. فرهنگ اسلامي، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنين زندگي اي با خوشبختي ادامه مي يابد و مي تواند به درستي و با رعايت موازين عقلي بچرخد و حركت كند و به پيش برود. در اين جا اسلام سختگيري كرده است. اگر آن حدّ و مرزي كه در جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشكند، اسلام در مقابل آن سختگيري مي كند ؛ درست نقطه مقابل آنچه كه شهوترانان عالم مي خواسته اند و عمل مي كرده اند. قدرتمندان و زرمندان و زورمندان، مردشان، زنشان و زيردستهايشان و كساني كه با آنها و براي آنها زندگي مي كرده اند، هميشه عكس اين عمل مي كرده اند. آنها مايل بوده اند كه اين حجاب بين زن و مرد، از بين برود، كه اين، البته براي زندگي جامعه مضرّ و براي اخلاق جامعه بد است. براي حفظ عفّت جامعه زيانبار و بخصوص براي خانواده از همه چيز بدتر است. اين، بنيان خانواده را متزلزل مي كند.
اسلام به خانواده اهميت مي دهد. تمام دعواي امروز بلندگوها و بوقهاي تبليغاتي غربي با مسلمين هم بر سر همين است. شما ببينيد كه در مقابل «حجاب» چه حساسيتي نشان مي دهند! اين حجاب اگر در جمهوري اسلامي باشد، آن را زشت مي شمارند. اگر در دانشگاههاي كشورهاي عربي باشد، كه دختران جوان دانشجو، با معرفت و آگاهي و با ميل و اختيار خود به حجاب روي آورده اند، حسّاسيت نشان مي دهند. اگر در بين احزاب سياسي باشد، حسّاسيت نشان مي دهند. اگر در مدارس و حتّي دبستانهاي كشورهاي خودشان هم باشد - با اين كه زيردست خودشان است - حسّاسيت نشان مي دهند. پس، نقطه دعوا در اين جاست. البته در تبليغاتشان، دائم فرياد مي زنند كه حقّ زن در

اسلام يا در جمهوري اسلامي، پايمال شده است. خودشان هم به اين قضيه اعتقادي ندارند و مي دانند كه حقّ زن در جمهوري اسلامي تضعيف نشده ، بلكه تقويت شده است. شما نگاه كنيد و ببينيد كه تعداد محصّلين و دانشجويان زن - دختران تحصيل كننده در مراكز عالي - امروز در ايران بيشتر است يا در دوران حكومت طواغيت بيشتر بود؟ مي بينيد كه امروز بيشتر است. تعداد دانشجويانِ دختر برجسته و داراي نمره اوّل در تحصيلات، امروز بيشتر است يا در آن زمان بيشتر بود؟ مي بينيد كه امروز بيشتر است. عده زناني كه در مراكز پزشكي و درماني و در مراكز گوناگون علمي در اين كشور مشغول كار و تحقيق هستند، امروز بيشتر است يا آن روز بيشتر بود؟ مي بينيد كه امروز بيشتر است. عده زناني كه در صحنه سياست كشور و در عرصه هاي مجامع بين المللي حضور قدرتمند پيدا مي كنند و در آن جا از حقوق و نظرات اين كشور و اين ملت - كه كشور خود و ملت خودشان است - دفاع مي كنند، امروز بيشتر است يا آن روز بيشتر بود؟ مي بينيد كه امروز بيشتر است. آن روز زنان با هيأتهاي مختلف به مسافرتهاي گوناگوني مي رفتند ؛ اما تشريفاتي بود. براي هوسراني و نشان دادن سر و كول خودشان به اين و آن بود. لكن زن مسلمان امروز، در مجامع جهاني، در كنفرانسهاي گوناگون جهاني، در مراكز علمي و در دانشگاهها، حضور علمي يا سياسي يا خدماتي دارد. اينها ارزش دارد.

آن روز دختراني را به عنوان «دختر نمونه» و «دختر شايسته»، از آغوش گرم و عفيف خانواده ها بيرون مي كشيدند و در منجلاب فساد فرو مي كردند. اما امروز، چنين چيزي نيست. حقّ زن در كجا ضايع مي شود؟ در جايي كه جلو تحصيلات زنان گرفته شود ؛ جلو اشتغال زنان به كارهاي متناسب با بانوان گرفته شود ؛ جلو خدمت رساني زنان يا خدمت رساني به زنان گرفته شود و نيز در جايي كه زن تحقير شود. برويد به جوامع امريكايي نگاه كنيد! خواهيد ديد كه در آن جا زن تحقير مي شود. زنِ خانواده، از طرف شوهر تحقير مي شود. مادر خانواده، از طرف فرزندان تحقير مي شود. حقّ مادري، به اين شكلي كه در مراكز اسلامي هست، در آن جا معنا ندارد.

جمله اي در يک سخنراني معروف در يک مركز بين المللي - كه نمي خواهم خصوصيّات آن را در اين جا ذكر كنم - راجع به خانواده گفته شد. گزارشهايي كه از آن جا به ما رسيد، حاكي از اين بود كه مردم آن كشور، نسبت به همان جمله، به شدّت علاقه نشان داده بودند ؛ به خاطر اين كه وضع خانواده در آن كشورها از هم پاشيده است. آنجا به زنان ظلم مي شود ؛ اما اين جا، آن مرز بين زن و مرد وجود دارد. معناي آن مرز هم اين نيست كه زنان و مردان در يک محيط تحصيل نكنند، در يک محيط عبادت نكنند، در يک محيط كار نكنند و در يک محيط خريد و فروش نكنند - كه اين قبيل موارد، فراوان است - بلكه معنايش اين است كه حدّ و حدودي در اخلاق معاشرتي خودشان قائل باشند. و اين كار بسيار خوبي است. زن در اين جا حجاب خودش را حفظ مي كند. مردم ما چادر را انتخاب كرده اند. البته ما هيچ وقت نگفتيم كه «حتماً چادر باشد، و غيرچادر نباشد.» گفتيم كه «چادر بهتر از حجابهاي ديگر است.» ولي زنان ما مي خواهند حجاب خودشان را حفظ كنند. چادر را هم دوست دارند. چادر، لباس ملي ماست. چادر، پيش از آن كه يک حجاب اسلامي باشد، يک حجاب ايراني است. مال مردم ما و لباس ملي ماست.

خانمهاي باسوادِ مسلمانِ مؤمنِ درسخواني كه يا مشغول تحصيلند و يا در دانشگاهها بهترين علوم را دربالاترين مدارج تدريس مي كنند، زيادند و اين براي نظام اسلامي مايه افتخار است. خانمهايي هستند كه بحمدالله بالاترين تخصّصها را در پزشكي و در علوم گوناگون - در زمينه علوم انساني، در زمينه علوم تجربي و در زمينه علومِ گوناگونِ ديگر دارند. خانمهايي هستند كه در زمينه علوم ديني پيشرفت كرده و به مراتب بالا رسيده اند. يک روز يک خانم بزرگوار در ايران - در اصفهان - بود، به نام «بانوي اصفهاني» كه خانم بسيار عالي مقامي بود. مجتهده و عارف و فقيه بود. اما فقط او بود. امروز، بحمدالله دختران جواني كه در آينده نه چندان دور به مقامات عالي علمي، فقهي و فلسفي مي رسند، بسيارند. اينها افتخار نظام اسلامي هستند ؛ و پيشرفت زن يعني اين.

غرب مي خواهد فرهنگ خود را بر همه جا حاكم كند. فرهنگ غرب، برهنگي است. البته به شما عرض كنم كه اين برهنگي، اين فساد و بي بندو باري و اين شكل فضاحت آميزي كه بعضي از زنان در بسياري از كشورهاي غربي دارند، بحمدالله در خودِ غرب نيز همه گير نيست. اين، كاري است كه بر اثر تبليغاتِ غلطِ خودِ آنها، روزبه روز افزايش پيدا مي كند. و الاّ حتي تا چهل، پنجاه سال پيش، در خودِ كشورهاي غربي، به اين شدّت نبود. آنها مي خواهند همان

فساد و بي بندوباري را كه خودشان گرفتارش شده اند، به كشورهاي اسلامي هم صادر كنند. ولي ما اين را نمي خواهيم. اين، براي زندگي اجتماعي مضرّ است و براي آنها هم مضرّ است. هر جا باشد، مضرّ است. روش اسلامي براي ما بهترين است. زنان ما در طول حوادث انقلاب و بعد از انقلاب تا امروز، نشان داده اند كه در آن چيزهايي كه معيار واقعي زندگي و ارزش و برجستگي آنهاست، در سطوح عالي قرار دارند. مادري كه فرزندان خود را در راه خدا و در راه هدف - هدفي كه براي او مقدّس است و پيشِ خدا هم مقدّس است - تقديم مي كند و خم به ابرو نمي آورد، يک عمل برجسته انجام داده است و اين امر كوچكي نيست.اين را با هر معيار و ميزاني اندازه گيري كنيد، با عظمت است. زن جواني كه حرمت همسرش و خودش را به مدت ده، يازده سال كه همسرش در زندانهاي دشمن اسير بوده، باكمال عفّت و سربلندي و پاكدامني حفظ كرده است، آيا كارش ارزش نيست؟! اينها ارزشند.

زنان ما در ميدان جنگ حضور پيدا كردند ؛ در ميدان بازسازي حضور پيدا كردند و در ميدان نشان دادن قدرت رواني، از همه بيشتر فعّاليت كردند. بهترين كساني كه در جوّ تبليغات گوناگونِ دشمنان ايستادند، بانوان كشور ما بودند. تبليغات دشمنان، به شكلهاي مختلفِ انتقاد، كاهي را كوهي كردن، مشكل كوچكي را ده برابر جلوه دادن و از اين راديو و آن راديو گفتن است. متأسفانه بعضي از قلم به مزدهاي داخلي خودمان هم كه گويي با انقلاب پدركشتگي دارند، در فلان مجلّه و فلان نشريه، اين چيزها را مي نويسند. بعضي با شبنامه و بعضي با نشريات آشكار و مجاز تبليغات مي كنند. به افراد پول مي دهند كه در صف فلان جنس يا در اتوبوس بايستند و بدگويي كنند. اين پولها را هم براي شايعه پراكني و خراب كردن جوّ خرج مي كنند. بهترين كساني كه در چنين جوّي ايستادند، بانوان كشور ما بودند ؛ همين زنان مؤمن كه بحمدالله و به كوري چشم دشمنان، عدّه شان هم فراوان و فراوان است و اكثريت زنان ما را تشكيل مي دهند.

اين همان جامعه زنِ زينبي و فاطمي است. اين همان تربيت اسلامي و نظام اسلامي است. ارزش، برجستگي و آزادي زن، اينهايند. البته زنان كشور ما بدانند كه براي پيشرفت و ترقّي، هنوز خيلي جا دارند. من از بانوان كشورمان -چه خانمهايي كه در حال تحصيلند ؛ چه خانمهايي كه فارغ التحصيلند ؛ چه خانمهايي كه در فعّاليتهاي سياسي و اجتماعي و خدماتي حضور دارند ؛ چه خانمهايي كه در بخشهاي مختلف مسؤولند و مسؤوليتهايي دارند و چه خانمهايي كه در خانه ها هستند، اما دلشان به نور و روحيه انقلاب زنده است و محيط خانه ها را محيط اسلامي نگه مي دارند - خواهش مي كنم كه درباره نقشِ زن مسلمان در پيشرفت جامعه خودشان، باز هم فكر كنند. در باره تشكلهاي سياسي، كارهاي علمي، خدمات ارزشمند، بالابردن سطح معرفت و معلومات و ايستادگي در مقابل دشمنان در همه مراكز و ميدانهايي كه ايستادگي در آنها مؤثر است، فكر كنند. شما ببينيد كه امروز دشمن، آشكار و پنهان و چقدر وحشيانه، به مقدّسات اسلام حمله مي كند. در تمام طول پانزده سال - چه آن ده سالي كه در زمان حيات بابركت امام بزرگوار، رضوان الله تعالي عليه بود، چه بعد از آن تا امروز - دشمنان نظام اسلامي، يک لحظه از نيّت ضربه زدن به جمهوري اسلامي، منصرف نشده اند. اگر گاهي هم مي بينيد كه به ظاهر ساكتند، در حال توطئه اند. اگر مي بينيد كه بحمدالله نظام اسلامي، مستحكم سرجاي خود ايستاده است، بدين علّت است كه ضربه آنها كارگر نشده است ؛ نه اين كه آنها ضربه نزده اند.

بعضي از سردمداران نابخرد امروز استكبار جهاني، حرفها را صريحاً بيان مي كنند ؛ بعضي هم نمي گويند و پنهان نگه مي دارند. غالب حوادثي كه در منطقه ما اتّفاق مي افتد، جهتش به نحوي از انحا ضربه زدن به اسلام و نظام اسلامي و ملت مسلمان است. همين قضاياي اين روزها - لشكركشي امريكاييها به خليج فارس، آمدن تفنگداران و ناوهاي هواپيمابر و تبليغات جنجالي در مقابل تحرّک عراق و خودِ تحرّک نظامي عراق - به نظر ما، كارهاي به شدّت مشكوک، و به شدّت مورد سوء ظن اند. معلوم است كه استكبار جهاني در فكر آن است كه به هر نحو كه مي تواند، پاي خود را در اين منطقه محكم كند. روزي انگليسيها در خليج فارس حاكميت مطلق داشتند كه بحمدالله حركت اسلامي و بيداري ملت ايران و حوادث گوناگون، آنها را از خليج فارس تار و مار كرد. امروز هم امريكاييها مي خواهند در آن جا، جاي پاي از دست رفته خودشان و انگليسيها را مجدداً پركنند.

شما در خليج فارس چه كار داريد؟! امنيت خليج فارس به شما چه مربوط است كه از آن سر دنيا بلند مي شويد، مي

آييد و در اين طرف عالم دخالت مي كنيد؟! مي گويند «ما در اين جا منافع داريم.» اين هم شد حرف، كه هر كشوري در امور كشورهاي ديگر دخالت كند و بگويد «ما منافع داريم»؟! پس قوانين بين المللي براي چيست؟! پس اين سازمان ملل با اين عرض و طول، براي چيست؟! پس اين همه ادّعاي قطعنامه هاي جهاني و كنوانسيونهاي بين المللي براي چيست؟! همه اينها براي اين است كه يک دولت قلدر زورمند، نتواند به بهانه اين كه من در فلان جا منافع دارم، بلند شود راه بيفتد و به سراغ فلان كشور يا فلان منطقه يا فلان درياچه يا فلان خليج يا فلان آبراهِ مهمِ بين المللي برود. شما به چه مناسبت در منطقه اي كه به شما هيچ ارتباطي ندارد - يعني در خليج فارس - به بهانه اين كه «عراق مي خواهد و نيّت دارد لشكركشي كند» - و عراق هم مرتّب منكر مي شود - با اين حجمِ عظيم حضور مي يابيد؟!

اينها مسائلي است كه ملت ايران بايد نسبت به آنها حسّاس باشد. كساني كه تصوّر مي كنند دشمن به خواب رفته است، خيال نكنند با خيال خوش مي شود زندگي كرد! اميرالمؤمنين فرمود: «من نام لم ينم عنه.» يعني چشمهاي كساني كه هدف بزرگ و طبعاً دشمنان بزرگي دارند، به خواب نرود! همه فرياد امام بزرگوار ما در طول اين مدّت براي اين بود كه ملت ايران نسبت به حوادث عالم، حساسيّت خود را از دست ندهد. امروز هم اين حسّاسيت بايد باشد و بحمدالله هست. در سرتاسر اين كشور، جوانان مؤمن و حزب اللّهي ؛ خانواده هاي به شدّت پايبند به اصول انقلاب ؛ زنان مؤمن ؛ مردان مؤمن ؛ دلهاي قوي و روحيه هاي بالا، در همه صحنه ها آن قدر هستند كه به فضل پروردگار مي توانند از اسلامشان، از جمهوري اسلامي شان، از حيثيّتشان و از استقلال كشورشان در مقابلِ هر دشمني دفاع كنند.

اميدواريم خداوند متعال، شما خانمها و بانوان محترم را كه هر كدام در بخشي از كارهاي اين كشور - چه كارهاي دانشگاهي، چه كارهاي خدماتي، چه كارهاي علمي و چه كارهاي سياسي - مشغول تلاشيد، موفّق و مؤيّد بدارد و ان شاءالله الگوي زينب كبري سلام الله عليها، هميشه در مقابلِ چشم مرد و زن ما، زنده و مجسّم باقي بماند.

والسّلام عليكم و رحمةالله و بركاته.